

فهرست

- ۵ آذَرَسُ الْأَوَّلُ: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ
- ۱۹ آذَرَسُ الثَّانِي: الْعَبُورُ الْأَمِينُ
- ۳۰ آذَرَسُ الثَّلَاثُ: جِسْرُ الصَّدَاقَةِ
- ۴۰ آذَرَسُ الرَّابِعُ: الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ
- ۵۰ آذَرَسُ الْخَامِسُ: الرِّجَاءُ
- ۵۸ ● آزمون های نیم سال اول
- ۶۴ آذَرَسُ السَّادِسُ: تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ
- ۷۳ آذَرَسُ السَّابِعُ: ثَمَرَةُ الْجِدِّ
- ۸۲ آذَرَسُ الثَّامِنُ: حَوَازِ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَاةِ الْأَجْرَةِ
- ۹۰ آذَرَسُ التَّاسِعُ: نُصُوصُ حَوْلِ الصَّحَّةِ
- ۹۸ آذَرَسُ الْعَاشِرُ: رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي
- ۱۰۷ ● آزمون های نیم سال دوم
- ۱۱۶ ● آزمون های هماهنگ استان تهران
- ۱۲۲ ● پاسخ نامه تشریحی



در این درس قواعد درس‌های کلاس هفتم و هشتم به همراه تمرین‌های متنوع، دوره و مرور می‌شود.

واژه‌شناسی

توجه در بحث واژه‌شناسی و لغت‌نامه که در زبان عربی «المُعْجَم» و در انگلیسی «Dictionary» نام دارد برای یادگیری بهتر، فعل‌ها، اسم‌ها و حرف‌ها جداسازی شده است؛ چرا که در زبان عربی کلمه بر ۳ قسم است: اسم، فعل و حرف. روبه‌روی برخی واژه‌ها توضیح کوتاهی آمده است؛ مثلاً این که فلان اسم، مصدر، مفرد، مثنی یا جمع است، این فعل، چه زمانی دارد و ...

فعل

أَتَمَّتِي: آرزو می‌کنم (فعل مضارع)	إِنْتَدَأَ: شروع شد (فعل ماضی)، یَبْتَدِئُ (فعل مضارع)
حُذِّ: بگیر، بردار، ببر (فعل امر)، أَخَذَ: گرفت (فعل ماضی)، یَأْخُذُ: می‌گیرد (فعل مضارع)	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد (فعل ماضی)، یَتَخَرَّجُ (فعل مضارع)
زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (فعل ماضی)، یَزِيدُ (فعل مضارع)	دَرَّسَ: درس داد (فعل ماضی)، یُدْرِسُ (فعل مضارع)
سَاعَدَكَ اللَّهُ: خدا قوت، سَاعَدَ: کمک کرد (فعل ماضی)، یُسَاعِدُ: (فعل مضارع)	زَارَ: زیارت کرد (فعل ماضی)، یَزُورُ (فعل مضارع)
نَبَقِي: می‌مانیم، بَقِيَ: ماند (فعل ماضی)، یَبْقَى (فعل مضارع)	سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (فعل ماضی)، یَسْأَلُ (فعل مضارع)
يَمْشُونَ: راه می‌روند (فعل مضارع)، مَشَى (فعل ماضی)	يُحَدِّثُ: هشدار می‌دهد (فعل مضارع)، حَدَّثَ (فعل ماضی)

اسم

آمین: ایمن، اَلْعَبُورُ الْأَمِينُ: عبور و مرور ایمن (ترکیب وصفی: موصوف و صفت)	آمین: پسران (مفرد آن ← اِبن)
تَلَامِيذُ: دانش‌آموزان (مفرد آن ← تَلْمِيذ)	جُلُوسُ: نشستن (مصدر)
دِرَاسَةٌ: تحصیل، درس خواندن (مصدر)	دِرَاسِيٌّ: تحصیلی
ذَهَابُ: رفتن (مصدر)، تُرِيدُونَ الذَّهَابَ: می‌خواهید بروید	



رصیف: پیاده‌رو

صِعب: سختی‌ها (مفرد آن ← صَعْب)

عامّ دِرَاسیّ: سال تحصیلی

عام: سال

قیام: برخاستن (مصدر)

مُشاة: پیادگان (مفرد آن ← ماشی)

مَماة: مرگ = موت (م حیاة)

مَمَرُ المَشاءة: گذرگاه پیاده (ترکیب اضافی)

مِنطَقَةُ تَعَلیم المُرور: پارک آموزش ترافیک

مَوْقف: ایستگاه

حرف

ها: هان (حرف تنبیه و آگاه‌کردن)

أَهْلًا وَ سَهْلًا

خوش آمدید

خوش آمدید

يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ. يَذْهَبُ الطَّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛ شروع می‌شود سال تحصیلی جدید می‌رود [می‌روند] دانش‌آموزان [پسرا] و دانش‌آموزان [دختر] به مدرسه با خوشحالی سال تحصیلی جدید شروع می‌شود. دانش‌آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می‌روند؛

هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرِّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ أَنْهَا حمل می‌کنند (می‌برند) کیف‌هایشان و راه می‌روند بر پیاده‌رو و عبور می‌کنند آن‌ها کیف‌هایشان را [با خود] حمل می‌کنند و در پیاده‌رو راه می‌روند و برای عبور و مرور ایمن

مَمَرُ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَيْمَنِ؛ الشُّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ. گذرگاه پیاده برای عبور و مرور ایمن؛ خیابان‌ها پر از پسران و دختران [است] از گذرگاه پیاده رد می‌شوند (عبور می‌کنند)؛ خیابان‌ها پر از پسران و دختران است.

يَبْتَدِئُ فَضْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ النَّامِيذِ. فصل تحصیل، خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان شروع می‌شود فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بسیار بخشنده مهربان

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي بِاسْمِ اللَّهِ خَدَاوَنَد بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي خَدَاوَنَد بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي خَدَاوَنَد شروع می‌کنم با نام خداوند شروع می‌کنم. هنگام برخاستن پروردگارم را یاد می‌کنم.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي شروع می‌کنم با نام خدا شروع می‌کنم. هنگام نشستن پروردگارم را یاد می‌کنم.

صِعَابِي	حَلَّ	رَبِّي	أَسْأَلُ	كِتَابِي	اللَّهِ	بِاسْمِهِ	أَقْرَأُ
سختی‌هایم	حل	[از] پروردگارم	درخواست می‌کنم	کتابم [را]	خدا	با نام	می‌خوانم
حل سختی‌هایم را از پروردگارم درخواست می‌کنم.				کتابم را با نام خدا می‌خوانم.			

صَلَاةٌ	فِيهِ	دُعَاءٌ	فِيهِ	حَيَاةٌ	وَ	نُورٌ	مَكْتَبُنَا
نماز [است]	در آن	دعا [است]	در آن	زندگی [است]	و	روشنایی	آیین ما
در آن دعا است، در آن نماز است.				آیین (دین) ما [سراسر] روشنایی و زندگی است.			

جَمَالٌ	فِيهِ	كُنُوزٌ	فِيهِ	كَمَالٌ	فِيهِ	عُلُومٌ	فِيهِ
زیبایی [است]	در آن	گنج‌ها [است]	در آن	کمال [است]	در آن	دانش‌ها [است]	در آن
در آن گنج‌ها است، در آن زیبایی است.				در آن دانش‌ها است، در آن رشد و کمال است.			

الْحُكَمَاءُ	فِيهِ	يُدْرَسُ	وَ	الْعُلَمَاءُ	مِنْهُ	يَتَخَرَّجُ	دانش‌آموخته می‌شود
داناان	در آن	درس می‌دهد [می‌دهند]	و	اندیشمندان	از آن	[می‌شوند]	دانش‌آموخته می‌شوند
و داناان در آن درس [داناایی و زندگی] می‌دهند.				اندیشمندان از آن (آیین) دانش‌آموخته می‌شوند.			

كِدَوَائِي	كُنُزٌ	مَرْحَمَةٌ	سَمَائِي	أَنْوَارٌ	كُتُبِي	هَانِ
مانند دارویم [هستند]	گنج	مهربانی	آسمانم [هستند]	روشنایی‌های	کتاب‌هایم	هان
[آری] مهربانی و گنج [هستند] و مانند دارویم [هستند].				هان [آگاه باش که] کتاب‌هایم روشنایی‌های آسمان [زندگی]م هستند.		

سُرُورِي	زَادٌ	إِلَهِي	فَاسْمٌ	أُمُورِي	اللَّهِ	بِاسْمِهِ	أَبْدَأُ
خوشحالیم [را]	افزود	خدایم	بنابراین، نام	کارهایم [را]	خدا	با نام	شروع می‌کنم
بنابراین [در آغاز هر کاری] نام خدایم خوشحالیم را افزایش می‌دهد (افزایش داد).				کارهایم را با نام خداوند آغاز می‌کنم.			

توجه «مطالبی که به عنوان قواعد در این درس ذکر شده، یادآوری خلاصه قواعد کتاب‌های هفتم و هشتم می‌باشد که باید به عنوان دانسته‌های قبلی و سنگ زیرینا خوب خوب بدانید تا بتوانید در درس‌های بعدی نیز توانمند باشید.

آشنایی با قواعد و ساختار کلمه

۱ اگر بخواهیم به موجودات اطراف خود اشاره کنیم، از واژه‌های زیر استفاده می‌کنیم:

هَذَا	هَذِهِ	هَذَانِ	هَٰؤُلَاءِ	ذَٰلِكَ	تَٰلِكَ	أُولَٰئِكَ	هَٰنَا	هَٰنَاكَ
این	این	این‌ها	این‌ها، این	آن	آن	آن‌ها	این‌جا	آن‌جا

مانند «هَذَا كِتَابٌ». (این کتاب است) هَٰتَانِ الطَّالِبَتَانِ ذَكِيَّتَانِ. (این دو دانش‌آموز، باهوش هستند) تَٰلِكَ الْمَدْرَسَةُ بَعِيدَةٌ. (آن مدرسه، دور است)

۲ انسان موجودی است پرسشگر و سؤال‌کننده؛ بر این اساس اگر بخواهیم در مورد موجودات، وجودداشتن یا نداشتن‌شان و کارهایی که انجام می‌دهند بپرسیم، از واژه‌های زیر استفاده می‌کنیم:

أَيُّ	كَيْفَ	مَتَى	أَيْنَ	مَا	مَنْ	هَلْ	أَيُّ
کدام	چگونه	چه وقت	کجا	چه چیزی	چه کسی	آیا	آیا
کدام	چند، چه قدر	کی، چه وقت	کجا	چه چیزی	چه کسی	آیا	آیا

بِمَ	لِمَ	فِي أَيِّ	مِنْ أَيِّ	لِمَنْ
↓	↓	↓	↓	↓
با چه چیزی	چرا	در کدام	از کدام	مال چه کسی؟، مال چه کسانی؟

مانند هَلْ كَتَبْتَ؟ (آیا نوشتی؟) كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چه طور است؟) لِمَ خَرَجْتُمْ؟ (چرا بیرون رفتید؟) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ تَعِيشُونَ؟ (در کدام شهر زندگی می‌کنید؟)

۳ در برخی موارد که نمی‌خواهیم اسم کسی یا چیزی را مستقیماً یاد کنیم از اسم دیگری که جانشین آن شده است بهره می‌بریم؛ یعنی از «ضمیر» استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر، ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود؛ بنابراین ضمیر باید از نظر تعداد و جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن) با اسمی که جانشین آن شده است، هماهنگی و هم‌خوانی داشته باشد. ضمیرها در زبان فارسی و عربی دو گونه‌اند: ضمیرهای جدا (منفصل)، ضمیرهای پیوسته به کلمه قبل از خود (متصل).

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی

من، تو، او / ما، شما، ایشان (آنها)

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
↓	↓ ↓	↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث

ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ)	ایشان (هُمَ، هُنَّ)
↓	↓ ↓ ↓	↓ ↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث

ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی

م، ...ت، ...ش / ...مان، ...تان، ...شان

ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

م... (ي)	ت... (كَ، لَكَ)	ش... (هُ، هَا)
↓	↓ ↓	↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث

مان... (نَا)	تان... (كُمَا، كُمْ، كُنَّا)	شان... (هُمَ، هُنَّ)
↓	↓ ↓ ↓	↓ ↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث

یادآوری ۱ اسم‌های اشاره و ضمیرها از نظر جنسیت به دو دسته مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. به عنوان مثال:

هذا، ذلك، هو، هم، أنت، أنتم ← برای مذکر استفاده می‌شود. هذه، تلك، هي، هن، أنت، أنثى ← برای مؤنث استفاده می‌شود.

بنابراین (هَذَا الْمَدْرَسَةُ، تِلْكَ الْقَلَمُ، هِيَ طَالِبٌ، أَنْتَ طَبِيبٌ) نادرست و (هَذِهِ الْمَدْرَسَةُ، ذَلِكَ الْقَلَمُ، هُوَ طَالِبٌ، أَنْتِ طَبِيبَةٌ) درست است.

یادآوری ۲ در زبان عربی به دلیل این که مبحث «مذکر و مؤنث» و نیز «مثنی» مطرح است، ضمیرها در ۱۴ شکل ظاهر می‌شوند ولی در زبان

فارسی به دلیل مطرح نبودن «مذکر و مؤنث» و «مثنی» در ۶ شکل اجرا می‌شوند: (من - تو - او - ما - شما - آنها «ایشان»)

۴ یکی از ارکان مهم یک جمله، «فعل» است. فعل، کلمه‌ای است که انجام دادن کار یا حالت کسی یا چیزی را در یکی از زمان‌های ماضی،

مضارع و مستقبل بیان می‌کند.

تقسیم فعل از نظر زمان

زمان‌های فعل عبارت‌اند از:

ماضی مثبت، ماضی منفی، مضارع مثبت، مضارع منفی، مستقبل (آینده).

الف ماضی مثبت: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

آشکار است که از مصدر (که مکان صدور و تولید فعل است) فعل ماضی ساخته می‌شود. به عنوان مثال از مصدر کِتَابَة (نوشتن)، ذَهَاب (رفتن) و سُؤَالَ (پرسیدن)، فعل‌های کَتَبَ (نوشت)، ذَهَبَ (رفت) و سَأَلَ (پرسید) تولید می‌شود.

ب ماضی منفی: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام نشدن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

ما + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

ما مَلَكْتُ	ما خَرَجْتُ	ما كَتَبْنَا	ما ذَهَبْتُ
↓	↓	↓	↓
فرمانروا نشدی	خارج نشدید	ننوشتیم	نرفتم

ج مضارع مثبت: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان حال، و ساختار آن عبارت است از:

حروف مضارعه (یا حروف «تینا») ← (ي - ت - ا - ن) + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

يَكْتُبُ	تَعْرِفُونَ	أَدْرِكُ	نَعْلَمُ	يَضْحَكُونَ	يُزْعَمُ	تُرْجَعَنَّ
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
می‌نویسد	می‌شناسید	یاد می‌کنم	می‌دانیم	می‌خندند	می‌کارند	باز می‌گردید

د مضارع منفی: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام نشدن کار در زمان حال و ساختار آن عبارت است از:

لا + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

لا يَكْذِبُ	لا تَطْلِمُ	لا تَعْمَلِينَ	لا تَخْدِمُونَ	لا تَجْمَعُ
↓	↓	↓	↓	↓
دروغ نمی‌گوید	ستم نمی‌کنی، ستم نمی‌کند	کار نمی‌کنی	خدمت نمی‌کنید	جمع نمی‌کنیم

ه مستقبل: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان آینده (دور یا نزدیک) و ساختار آن عبارت است از:

س + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

سَوْفَ + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

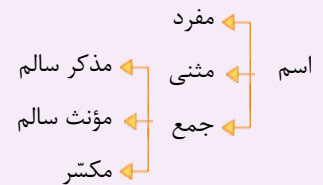
سَأَصِيرُ	سَوْفَ أَكْتُبُ	سَتَعْمَلُ	سَوْفَ تُفَحِّصِينَ	سَتَفْرَحَنَّ
↓	↓	↓	↓	↓
خواهم شد	خواهم نوشت	انجام خواهی داد، انجام خواهد داد	معاینه خواهی کرد	شاد خواهید شد

۶ شکل و ساختار فعل در زبان فارسی و ۱۴ شکل معادل آن در زبان عربی

فعل نیز همانند ضمیر، از نظر شکل و ساختار در زبان فارسی ۶ حالت دارد (اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع، سوم شخص جمع) ولی در زبان عربی به دلیل وجود مثنی (میان مفرد و جمع) و نیز جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) ۱۴ حالت وجود دارد. به عنوان مثال، از مصدر «نوشتن = الْكِتَابَةُ» ۶ صیغه ماضی فارسی و معادل عربی آن این گونه است:

جمع		مثنی		مفرد		عربی
مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر	فارسی
				کَتَبَتْ	کَتَبْتُ	نوشتم
				کَتَبْتِ	کَتَبْتِ	نوشتی
				کَتَبَتْ	کَتَبَ	نوشت
کَتَبْنَا	کَتَبْنَا	کَتَبْنَا	کَتَبْنَا			نوشتیم
کَتَبْتُمَا	کَتَبْتُمَا	کَتَبْتُمَا	کَتَبْتُمَا			نوشتید
کَتَبْنَ	کَتَبُوا	کَتَبْنَا	کَتَبَا			نوشتند

۵ اسم نیز مانند فعل از نظر تعداد و جنسیت اقسامی دارد که عبارت‌اند از:



مفرد: اسمی است که بر یک موجود دلالت می‌کند و علامت خاصی ندارد. مانند: الله، کتاب، قلم، ذئب، فَرْخ، جَبَل، تَلْمِیذَة، کاتِبَة

مثنی: اسمی است که بر دو موجود دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ان - ین) در آخر اسم مفرد ساخته می‌شود. **مانند** $حَدَادِینِ$ - $حَدَادِینِ$

کاتِبَانِ - کاتِبَینِ - مَزْرَعَتَانِ - مَزْرَعَتَینِ - شَجَرَتَانِ - شَجَرَتَینِ - مُعَلِّمَتَانِ - مُعَلِّمَتَینِ - یدَانِ - یدَینِ

جمع مذکر سالم: اسمی است که بر بیش از دو موجود (مذکر) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ون - ین) در آخر اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود.

مانند $مُسْلِمُونَ$ - $مُسْلِمَینِ$ - $مُعَلِّمُونَ$ - $مُعَلِّمَینِ$ - $لَاعِبُونَ$ - $لَاعِبَینِ$

جمع مؤنث سالم: اسمی است که بر بیش از دو موجود (مؤنث) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ات) در آخر اسم مفرد مؤنث ساخته می‌شود.

مانند $مُسْلِمَات$ - $مُؤْمِنَات$ - $فَرِحَات$ - $ضاحِکَات$ - $مَسْرُورَات$

جمع مکسر: اسمی است که بر بیش از دو موجود دلالت می‌کند و قاعده و معیار خاصی برای ساختن آن وجود ندارد، به بیان دیگر ساختار مفرد آن شکسته می‌شود (مکسر = شکسته‌شده) و وزن خاصی ندارد و باید این گونه جمع‌ها را به ذهن سپرد، مانند: زُوَّار (جمع زائر) - غَزَالان (جمع غزاة) - حَوَائِج (جمع حاجة) - جبال (جمع جَبَل) - أَقْرِبَاء (جمع قَرِیب) - دُنُوب (جمع ذَنْب) - ذُنَاب (جمع ذَنْب) - مَلَاعِب (جمع مَلْعَب) - أَقْمَار (جمع قَمَر)

توجه هرگاه با اسمی که جمع مکسر است روبه‌رو شدیم، باید به سه موضوع توجه کنیم:

الف) مفرد جمع مکسر چیست؟ ب) ترجمه و معنای آن چیست؟ ج) آیا جمع مکسر در مورد انسان است یا غیرانسان؟

۶ باید به انواع «ما» توجه کنیم:

انواع «ما»

- «ما»ی پرسشی ← کلمه‌ای پرسشی است به معنای «چه چیزی؟» و در واقع اسم است ← اسم استفهام
- «ما»ی نفی ← کلمه‌ای است که پیش از فعل ماضی می‌آید و آن را منفی می‌کند و در واقع حرف است ← حرف نفی

ما هذا؟ (این چیست؟)

ما تِلْكَ بِیْمِینِكَ یا موسی؟ (ای موسی، در دست راستت چیست؟)

ما حَرَجْت. (خارج نشدی.)

ما سَمِعْنَا. (نشنیدیم.)

۷ اگر بخواهیم عبارتی را بسازیم که اول اسم بیاید و سپس فعل؛ باید میان اسم و فعل (که اصطلاحاً نهاد و گزاره یا مبتدا و خبر نام دارد) از نظر صیغه، تعداد (مفرد، مثنی و جمع) و جنسیت (مذکر و مؤنث) هماهنگی وجود داشته باشد.

- التَّلْمِيذُ مَا رَجَعَتْ إِلَى بَيْتِهِ. ← (نادرست) / التَّلْمِيذُ مَا رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ ← (درست)
 التَّلَامِيذُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ. ← (نادرست) / التَّلْمِيذَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ. ← (درست)
 أَنْتُمْ نَصْرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. ← (نادرست) / أَنْتُمْ نَصَرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. ← (درست)
 الْأَعْدَاءُ هَرَبْنَ مِنَ الْحَرْبِ. ← (نادرست) / الْأَعْدَاءُ هَرَبُوا مِنَ الْحَرْبِ ← (درست)

۸ آشنایی با برخی از واژه‌ها که دانستن آن‌ها کاربرد بیشتری در مکالمه و زندگی دارد:

- الف روزهای هفته:** السَّبْتُ (شنبه) - الْأَحَدُ (یکشنبه) - الْأَثْنَيْنِ (دوشنبه) - الثَّلَاثَاءُ (سه‌شنبه) - الْأَرْبَعَاءُ (چهارشنبه) - الْخَمِيسُ (پنجشنبه) - الْجُمُعَةُ (جمعه)
ب فصل‌ها: الرَّبِيعُ (بهار) - الصَّيْفُ (تابستان) - الخَرِيفُ (پاییز) - الشِّتَاءُ (زمستان)
ج رنگ‌ها: أبيض (سفید) - أسود (سیاه) - أحمر (قرمز) - أزرق (آبی) - أخضر (سبز) - أصفر (زرد)
د قید زمان و مکان: اليوم (امروز) - أمس (دیروز) - غد (فردا) - صباح (صبح) - مساء (عصر، شب) - لیل (شب) - نهار (روز) - قَبْلُ (پیش) - بَعْدُ (پس) - عِنْدَ (نزد) - أمامَ (روبه‌رو) - جَنْبَ (کنار)
ه شغل‌ها: حدّاد (آهنگر) - نجّار (نجار) - ممرّضة (پرستار) - کاتب (نویسنده) - مؤظّف (کارمند) - عامل (کارگر) - خبّاز (نانوا) - حلوانّي (شیرینی‌فروش) - شُرطیّ (پلیس) - خِیاطة (خیاط) - طبیبة (پزشک) - طبّاخة (آشپز) - فلاحة (کشاورز) - مُدّرّس (معلم) - أستاذ (استاد)
و اعداد اصلی: واحد (یک) - اثنان (دو) - ثلاثة (سه) - أربعة (چهار) - خمسة (پنج) - ستة (شش) - سبعة (هفت) - ثمانية (هشت) - تسعة (نه) - عشرة (ده) - أحد عشر (یازده) - اثناعشر (دوازده)
ز اعداد ترتیبی: الأوّل (یکم) - الثّانی (دوم) - الثّالث (سوم) - الرّابع (چهارم) - الخامس (پنجم) - السّادس (ششم) - السّابع (هفتم) - الثّامن (هشتم) - التّاسع (نهم) - العاشر (دهم) - الحادي عشر (یازدهم) - الثّانی عشر (دوازدهم)

الأربعینات

گفت‌وگوی اربعینی

گفت‌وگوی اربعینی

الشُّرْطِيُّ وَ الرَّائِئِرُ: [گفت‌وگوی پلیس و زائر]

أهلاً وَ سهلاً بِكُمْ!	- شُكراً. سَاعَدَكَ اللهُ!
- [به‌به!] خوش آمدید!	- تشکر. خدا قوت!
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟	- تَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ.
- چند روز در عراق می‌مانید؟	- دو هفته می‌مانیم.
- إِلَى أَيِّ مَدِينٍ تُرِيدُونَ الذَّهَابَ؟	- إِلَى النَّجْفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.
- به کدام شهرها می‌خواهید بروید؟	- به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا.
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجْفِ؟	- تَبْقَى يَوْمَيْنِ.
- چند روز در نجف می‌مانید؟	- دو روز می‌مانیم.
- وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدِينِ؟	- فِي الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقِي فِي كَرْبَلَاءَ.
- و چند روز در بقیه شهرها؟	- در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در کربلا.
- أَتَمَنَى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً!	- حَفِظَكَ اللهُ!
- زیارت مقبولی را [در پیشگاه خدا] برایتان آرزو می‌کنم!	- خدا شما را نگه دارد!
- حُذِّ جَوَازَكَ، فِي أَمَانِ اللهِ!	- شُكراً جَزَيْلاً. فِي أَمَانِ اللهِ وَ حِفْظِهِ!
- گذرنامه‌ها را بگیر، در پناه خدا.	- سپاس فراوان، در پناه خدا (خدانگهدار)!

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا. الإمامُ الصّادِقُ (ع)

هر کس در [بعد از] مرگ ما، ما را زیارت کند، مثل این است که در [زمان] حیاتمان، ما را زیارت کرده است. امام صادق (ع)

پرسش‌های درس اول

۱ ترجمه ناقص عبارت‌های زیر را کامل کنید.

- یک ساعت فکر کردن
- غریب کسی است
- آرامگاه امام
- صبحانه غذایی
- اشک‌ها قطره‌هایی
- مسواک
- دو خواهر سخن معلم را
- من به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا
- ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت
- تو آهنگر هستی
- بیشتر گناهان آدمیزاد
- قطعاً خدا زیباست
- هیچ خیری در سخنی نیست
- هر کس دانشی را پنهان کند،
- سال تحصیلی
- از پروردگارم حل
- پس نام معبودم
- مکتب ما روشنایی و زندگی
- دانشمندان از آن دانش‌آموخته
- دوره درس‌های

- ۱ «تَفَكَّرُ سَاعَةً حَبِيرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.»
- ۲ «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.»
- ۳ «مَرَقَدُ الْإِمَامِ السَّابِعِ وَ التَّاسِعِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْكَاطِمِيَّةِ.»
- ۴ «الْفُطُورُ طَعَامٌ نَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ.»
- ۵ «الذَّمُوعُ قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ.»
- ۶ «الْفُرْشَةُ شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ.»
- ۷ «الْأَخْتَانِ سَمِعْنَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ هُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.»
- ۸ «لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ.»
- ۹ «نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.»
- ۱۰ «أَنْتَ حَدَادٌ. تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النُّوَافِذَ.»
- ۱۱ «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.»
- ۱۲ «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ.»
- ۱۳ «لَا حَبِيرٌ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.»
- ۱۴ «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ.»
- ۱۵ «إِبْتَدَأْتُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ.»
- ۱۶ «أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي.»
- ۱۷ «فَاسْمُ إِلَهِي زَادٌ سُرُورِي.»
- ۱۸ «مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ فِيهِ صَلَاةٌ.»
- ۱۹ «يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يَدْرُسُ فِيهِ الْحُكَمَاءُ.»
- ۲۰ «أُحِبُّ مُرَاجَعَةَ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ.»

۲ عبارت‌های زیر را بخوانید، سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

- ۱ «إِبْتَدَأَ فَضْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.»
الف: فصل درس و خواندن و نوشتن و فصل راستگویی دانش‌آموزان آغاز شد.
ب: فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز شد.
- ۲ «أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.»
الف: پروردگارم را هنگام نشستن یاد خواهم کرد.
ب: پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می‌کنم.
- ۳ «كُرَّةُ الْقَدَمِ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.»
الف: فوتبال ورزشی است که یازده بازیکن در آن بازی می‌کنند.
ب: فوتبال تمرینی است که یازده نفر در آن بازی می‌کنند.
- ۴ «الْغُرَابُ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصُّوْتِ.»
الف: بلبل پرندهای است خوش‌رنگ که صدای زیبایی دارد.
ب: کلاغ پرندهای است سیاه‌رنگ که خوش‌صدا نیست.
- ۵ «غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.»
الف: نهایت عقل اعتراف به نادانی است.
ب: نهایت عقل برطرف کردن نادانی است.

۶ «أَنْتِ طَبِيبَةٌ تَفْحَصِينَ الْمَرَضَى بِدِقَّةٍ.»

الف: تو پزشک هستی [و] بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

ب: تو پزشکی هستی که بیماران را با معاینه می‌شناسی.

ج: تو پزشک هستی که بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

۷ «الْعَرَبِيَّةُ لَعْنَةُ دِينِنَا وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِهَا.»

الف: عربی زبان دینی ماست و ما سخت نیازمند یادگیری آن هستیم.

ب: عربی زبان دین ماست و ما نیازمند یادگیری آن هستیم.

ج: زبان عربی زبان دین ماست و انسان‌های نیازمند به آن فراوانند.

۸ «أَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ السَّهْلَةَ؟»

الف: آیا تو معنی آیه‌ها و احادیث آسان را خوب فهمیدی؟

ب: آیا تو معنی آیه‌ها و احادیث آسان را می‌فهمی؟

ج: آیا تو معنی آیات و احادیث را به آسانی می‌فهمی؟

۹ «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.»

الف: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان نابود می‌شوند.

ب: اگر انسان‌های پست مالکیت داشته باشند، دانشمندان هلاک می‌شوند.

ج: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند، خوبان هلاک شدند.

۱۰ «الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرٌ الْعَمَلُ.»

الف: مؤمن، کم‌سخن [و] همه‌کاره است.

ب: مؤمن، کم‌حرف [و] پرکار است.

ج: مؤمن کم‌حرف از انسان پرکار بهتر است.

۱۱ «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ.»

الف: به راستی که حسادت نیکی را از بین می‌برد؛ مانند آتشی که محصول را از بین می‌برد.

ب: قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

ج: گاهی انسان‌های حسود کارهای نیک انجام می‌دهند، همان‌طور که آتش منزلی را گرم می‌کند.

۱۲ «إِنَّ خَوَائِبَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ.»

الف: حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

ب: نیازهای مردم به نعمت الهی بسیار فراوان است.

ج: قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

۳ عبارات‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.

۱ «إِبْتَدَأْنَا فَضْلَ الدِّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.»

۳ «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»

۲ «لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟»

۵ «مَنْ يَعْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ قِيَمَةِ الْعِلْمِ؟»

۴ «الْمُسْتَوْصَفُ مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرَضَى.»

۷ «اعْلَمْ يَا صَدِيقِي رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.»

۶ «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.»

۹ «أَنْتَنْ نَصْرْتَنْ صَدِيقَاتِكَنْ فِي الشَّدَائِدِ.»

۸ «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.»



۱۰ «إِنَّا قَادِرُونَ عَلَىٰ قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَالنُّصُوصِ الْعَرَبِيَّةِ الْبَسِيطَةِ.»

۱۱ «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ.»

۱۲ «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ.»

۱۳ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.»

۱۴ «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ.»

۴ اسم‌های زیر را ترجمه کرده و جمع مکسر آن‌ها را بنویسید.

- | | | | |
|-----------------|-------------------|--------------------|-------------------|
| ۱ صُغْبٌ: | ۲ عام: | ۳ حَقِيبَةٌ: | ۴ كَنْزٌ: |
| ۵ نور: | ۶ أمر: | ۷ حَاجَةٌ: | ۸ جَبَلٌ: |
| ۹ أخ: | ۱۰ زَمِيلٌ: | ۱۱ زَصِيفٌ: | ۱۲ ذَهَابٌ: |

۵ فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

- | | | | |
|----------------------------|--------------------------|----------------------|------------------------|
| ۱ تَكْتَبِينَ: | ۲ سَأَطْبُحُ: | ۳ عَرَفْنَا: | ۴ هَلْ فَهِمْتِ: |
| ۵ ما جَاءَتْ: | ۶ لَا تَأْتِي: | ۷ يَسْمَعُ: | ۸ أَ تَصُدِّقُ: |
| ۹ سَوْفَ تَلْعَبُنَ: | ۱۰ إِشْتَرَيْتُمْ: | ۱۱ أَتَمَّتِي: | ۱۲ يَزُورُ: |

۶ کلمات نادرست مشخص شده در جمله‌های زیر را اصلاح کنید.

- | | |
|---|---|
| ۱ «هَذَانِ الْبُنْتَانِ صَابِرَتَانِ.» | ۲ «أُولَئِكَ الْأُمَّهَاتُ جَالِسَةٌ.» |
| ۳ «أَيْنَ جَلَسَ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟» | ۴ «هُنَّ وَصَلُوا إِلَى عُرْفَتِهِمْ.» |
| ۵ «هُمَا وَجَدُوا مِفْتَاحَهُمَا.» | ۶ «الْإِيرَانِيِّونَ حَدَمَنَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ كَثِيرًا.» |
| ۷ «أَنْتُمْ قَبِلْتُمْ كَلَامَ وَالِدِكَ.» | ۸ «أَنَا تُحِبُّ طِبَّ الْعَيُونِ.» |
| ۹ «هَلْ تَعْرِفُ ذَلِكَ الْمَدْرَسَ يَا أُخْتِي؟» | ۱۰ «الْجَاهِلُ تَكْذِبٌ وَالْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ.» |

۷ فعل‌های ماضی و مضارع را در عبارات‌های زیر مشخص کنید. ماضی مضارع

- | |
|---|
| ۱ «مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ.» |
| ۲ «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.» |
| ۳ «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» |
| ۴ «أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي.» |
| ۵ «إِشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةٍ وَ نِسَائِيَّةٍ مِنَ السُّوقِ.» |
| ۶ «أَغْسِلُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.» |
| ۷ «نَحْنُ نَعِيشُ فِي مَدِينَةِ طَهْرَانَ وَ نَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ.» |
| ۸ «الْغُرَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ حَلْفَ الْجَبَلِ بِيُوتِ الْفَلَاحِينَ.» |
| ۹ «أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.» |
| ۱۰ «تَرْجِعُ الْأُمَّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحَهَا: مَاذَا حَدَّثَتْ؟» |

۸ کدام فعل از نظر زمان با بقیه فعل‌ها ناهماهنگ است؟

- | | | | |
|-------------------------------|------------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱ جلسوا <input type="radio"/> | تجمعون <input type="radio"/> | کتبنا <input type="radio"/> | جلبت <input type="radio"/> |
| ۲ صبرتم <input type="radio"/> | عبرتم <input type="radio"/> | علمنا <input type="radio"/> | تقدفن <input type="radio"/> |

- | | | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| <input type="radio"/> جَعَلْتَنِّ | <input type="radio"/> نَكْتُبُ | <input type="radio"/> يَسْمَعْنَ | <input type="radio"/> ٣ أَهْرَبُ |
| <input type="radio"/> سَمِعْنَا | <input type="radio"/> أَعْرِفُ | <input type="radio"/> ذَهَبْتُ | <input type="radio"/> ٤ جَلَسْنَا |
| <input type="radio"/> صَعِدَنْ | <input type="radio"/> صَعْتُمْ | <input type="radio"/> شَرَحَا | <input type="radio"/> ٥ تَطْرُقَنَّ |
| <input type="radio"/> أَكَلُوا | <input type="radio"/> أَمَرَا | <input type="radio"/> أَسْمَعُ | <input type="radio"/> ٦ أَخَذْنَا |
| <input type="radio"/> عَمِلْتُ | <input type="radio"/> عَمِلَ | <input type="radio"/> عَمَلَا | <input type="radio"/> ٧ أَعْمَلُ |
| <input type="radio"/> نَقُولُ | <input type="radio"/> بَقِيَ | <input type="radio"/> مَضَى | <input type="radio"/> ٨ هَجَرَ |
| <input type="radio"/> يَقُولُ | <input type="radio"/> عَاشَا | <input type="radio"/> كَانُوا | <input type="radio"/> ٩ قُلْتُ |
| <input type="radio"/> سَأَلْنَا | <input type="radio"/> أَدْرَسُ | <input type="radio"/> تَتَخَرَّجُ | <input type="radio"/> ١٠ يَبْتَدِئُ |

٩ کدام فعل، مناسب ضمیر داده شده، است؟

- | | | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|---|
| <input type="radio"/> تَصْبِرِينَ | <input type="radio"/> نَصِيرُ | <input type="radio"/> تَصْبِرُونَ | <input type="radio"/> ١ نَحْنُ أَصْبِرُ |
| <input type="radio"/> تَعِشْنَ | <input type="radio"/> تَعِيشُونَ | <input type="radio"/> أَعِيشُ | <input type="radio"/> ٢ أَنْتَنْ نَعِيشُ |
| <input type="radio"/> أَكَلْتُ | <input type="radio"/> يَطْلِمَنَّ | <input type="radio"/> نَسْمَعُ | <input type="radio"/> ٣ هِيَ أَخَذْتُ |
| <input type="radio"/> قَدَفْنَا | <input type="radio"/> فَتَحْتُ | <input type="radio"/> يَغْفِرُونَ | <input type="radio"/> ٤ أَنَا نَغْسِلُ |
| <input type="radio"/> سَمِعَ | <input type="radio"/> أَمَرَا | <input type="radio"/> تَفْتَحَنَّ | <input type="radio"/> ٥ هُمَا يَكْذِبُونَ |
| <input type="radio"/> قَدَرَنْ | <input type="radio"/> تَخْرُجَنَّ | <input type="radio"/> تَخْدِمِينَ | <input type="radio"/> ٦ هُنَّ خَصَدَتْ |
| <input type="radio"/> تَرْفَعُونَ | <input type="radio"/> سَأَلْتَنِّ | <input type="radio"/> كَانَا | <input type="radio"/> ٧ أَنْتُمْ آمَنُوا |
| <input type="radio"/> يَبْحَثَانِ | <input type="radio"/> شَاهَدْتُمَا | <input type="radio"/> عَصَبْتَا | <input type="radio"/> ٨ أَنْتُمَا وَقَعَا |
| <input type="radio"/> حَاوَلْنَا | <input type="radio"/> تَخَافِينَ | <input type="radio"/> سَتَرْتُ | <input type="radio"/> ٩ أَنْتِ خَضَرْتَ |
| <input type="radio"/> أَخْرَسُ | <input type="radio"/> شَجَعْتُ | <input type="radio"/> قَبِلَ | <input type="radio"/> ١٠ هُوَ كَانَتْ |

١٠ زیر هر تصویر، نام آن را به عربی بنویسید.



..... ٣



..... ٢



..... ١



..... ٦



..... ٥



..... ٤

۱۱ زیر هر تصویر، کاری که انجام می‌شود را به صورت فعل مضارع بنویسید.



..... ۳



..... ۲



..... ۱



..... ۶



..... ۵



..... ۴

۱۲ در جای خالی به ترتیب کلمه مناسب بنویسید.

- ۱ واحد / / ثلاثة / / خمسة / / سبعة / / تسعة / / أحد عشر /
- ۲ الأول / / الثالث / / السادس / / الثامن / / الحادي عشر /
- ۳ يوم السبت / / الإثنين / / الأربعاء / / الجمعة /
- ۴ / الضيف /
- ۵ الفطور في الصباح / / في الظهر / / في الليل
- ۶ ضميرهای جدا بر اساس ساختار زبان عربی: هُوَ / هُم / / هُنَّ / أَنْتَ / / أَنْتُمْ /
- / نَحْنُ
- ۷ ضميرهای پیوسته بر اساس ساختار زبان عربی: هُمَا / هُمَا / هُنَّ / كِ / / كِ /
- / كُنَّ / ي
- ۸ صرف فعل مضارع بر اساس ساختار زبان عربی: يَغْلَمُ / / يَغْلَمُونَ / تَغْلَمُ / / تَغْلَمُنَّ /
- تَغْلَمِينَ / / تَغْلَمْنَ / تَغْلَمُ

۱۳ برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------|----------|-----------------------|
| تَغْلَمُ ۱ | أَنْتَ | <input type="radio"/> |
| نَجَحْنَا ۲ | أَنْتُمْ | <input type="radio"/> |
| لا تَكْذِبْ ۳ | هِيَ | <input type="radio"/> |
| أَنْظُرْ ۴ | هِيَ | <input type="radio"/> |
| طَلَبْنَا ۵ | أَنْتُمْ | <input type="radio"/> |
| وَصَلْتُمْ ۶ | أَنْتُمْ | <input type="radio"/> |
| | هُوَ | <input type="radio"/> |
| | نَحْنُ | <input type="radio"/> |
| | أَنْتِ | <input type="radio"/> |
| | أَنْتِ | <input type="radio"/> |
| | هُمَا | <input type="radio"/> |
| | هُنَّ | <input type="radio"/> |
| | هُنَّ | <input type="radio"/> |
| | أَنَا | <input type="radio"/> |
| | هُوَ | <input type="radio"/> |
| | أَنَا | <input type="radio"/> |
| | نَحْنُ | <input type="radio"/> |
| | نَحْنُ | <input type="radio"/> |

- | | | | |
|-----------------|----------------------------------|-----------------------------------|------------------------------|
| ٧ نَدِمْتُ | <input type="radio"/> أَنْتَنِّي | <input type="radio"/> أَنْتَ | <input type="radio"/> أَنْتِ |
| ٨ سَيَقْدِرُونَ | <input type="radio"/> هُنَّ | <input type="radio"/> أَنْتَنَّنِ | <input type="radio"/> هُمْ |
| ٩ قَرَّبْتُ | <input type="radio"/> هُوَ | <input type="radio"/> هِيَ | <input type="radio"/> أَنَا |
| ١٠ مَا نَفَعُ | <input type="radio"/> هِيَ | <input type="radio"/> هُوَ | <input type="radio"/> نَحْنُ |

١١٤ کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات، ناهماهنگ است؟

- | | | | |
|-------------|---------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------|
| ١ تَفَاحٌ | <input type="radio"/> زَمَانٌ | <input type="radio"/> نَارٌ | <input type="radio"/> تَمْرٌ |
| ٢ شَهْرٌ | <input type="radio"/> عَامٌ | <input type="radio"/> سَنَةٌ | <input type="radio"/> لِسَانٌ |
| ٣ بَحْرٌ | <input type="radio"/> قَمَرٌ | <input type="radio"/> شَمْسٌ | <input type="radio"/> كَوْكَبٌ |
| ٤ بَقْرَةٌ | <input type="radio"/> فَرَسٌ | <input type="radio"/> رِيَاضَةٌ | <input type="radio"/> غُرَابٌ |
| ٥ يَدٌ | <input type="radio"/> كُرَةٌ | <input type="radio"/> عَيْنٌ | <input type="radio"/> قَدَمٌ |
| ٦ حَقِيبَةٌ | <input type="radio"/> طَبَاحَةٌ | <input type="radio"/> مُدْرَسَةٌ | <input type="radio"/> مُوْظَفَةٌ |
| ٧ قَرْيَةٌ | <input type="radio"/> مَدِينَةٌ | <input type="radio"/> غَابَةٌ | <input type="radio"/> مُحَافَظَةٌ |
| ٨ أَبٌ | <input type="radio"/> بَيْتٌ | <input type="radio"/> ابْنٌ | <input type="radio"/> بِنْتُ |
| ٩ ظَهْرٌ | <input type="radio"/> فُطُورٌ | <input type="radio"/> عَدَاءٌ | <input type="radio"/> عَشَاءٌ |
| ١٠ أَحْمَرٌ | <input type="radio"/> أَخْضَرٌ | <input type="radio"/> أَسْوَدٌ | <input type="radio"/> أَضْغَرٌ |

١١٥ هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید (دو توضیح اضافی است).

- | | |
|--------------------|---|
| ١ أَلْضَيْفُ | ○ وَقْتُ نِهَائَةِ النَّهَارِ وَبِدَائَةِ اللَّيْلِ. |
| ٢ الْأَغْرَابُ | ○ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. |
| ٣ كُرَةُ الْقَدَمِ | ○ كِتَابٌ يَشْرَحُ مَعَانِيَ الْكَلِمَاتِ. |
| ٤ الْأَغَابَةُ | ○ لَعْنَةٌ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنْتَظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. |
| ٥ الْأَمْطَعُمُ | ○ فَضْلُ الْأَزْهَارِ وَبِدَائَةِ فُصُولِ السَّنَةِ. |
| ٦ الْمَتَسَاءُ | ○ مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| ٧ الْمَعْجَمُ | ○ قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ. |
| ٨ الْعَرَبِيَّةُ | ○ مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى. |
| ٩ الرِّبِيْعُ | ○ مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَ الْغَدَاءَ وَ الْعَشَاءَ. |
| ١٠ الدَّمُوعُ | ○ هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. |
| | ○ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا. |
| | ○ طَائِرٌ أَسْوَدٌ اللَّوْنُ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ. |

١١٦ برای جاهای خالی داده شده، کلمه مناسب انتخاب کنید. (دو کلمه اضافی است).

نَذَهَبُ - عَسَلْتُمْ - خَزَائِنُ - بَارِدٌ - تَطْبُخَانِ - مَصَابِيحُ - الْفِعْلُ - ذَهَبَ - ذَهَبِي - الْحَجَرِ - الْقَلْبُ - عَلَيْكَ

- | | |
|--|--|
| ١ «الذَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ» | ٢ «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ |
| ٣ «الْعُلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّفْسِ فِي | ٤ «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ |
| ٥ «السُّكُوتُ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ.» | ٦ «أَيُّنَ تَذَهَبُونَ؟ إِلَى مُنْتَظَمَةِ الْعَمَلِ.» |



۷ «أَنْتُمْ..... مَلَابِسَكُمْ أَمْسِي؟»

۸ «أَيُّهَا الْبِنْتَانِ، هَلْ..... الطَّعَامُ؟»

۹ «الْعُلَمَاءُ..... الْأَرْضِي.»

۱۰ «الْعِلْمُ..... وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ.»

۱۷ با استفاده از کلمه‌های داده شده، متضاد هر کلمه را روبه‌روی آن بنویسید.

نَهَايَةٌ - كَثِيرٌ - لَيْلٌ - قَرِيبٌ - جَمِيلٌ - صَدَاقَةٌ - يَمِينٌ - غَالِيٌ - شِرَاءٌ - فَرَحٌ - أَمْسٍ - حَازَ - خَيْرٌ - مَرَضٌ - صَغَرٌ - جَاهِلٌ

- | | | | |
|---------------------|--------------------|----------------------|----------------------|
| ≠ ۱ قَلِيلٌ | ≠ ۲ حَزَنٌ | ≠ ۳ قَبِيحٌ | ≠ ۴ بَارِدٌ |
| ≠ ۵ بَيْعٌ | ≠ ۶ زَخِيصٌ | ≠ ۷ شَرٌّ | ≠ ۸ بَعِيدٌ |
| ≠ ۹ بَدَايَةٌ | ≠ ۱۰ عَالِمٌ | ≠ ۱۱ الْيَوْمُ | ≠ ۱۲ عَدَاوَةٌ |
| ≠ ۱۳ كَبِيرٌ | ≠ ۱۴ صِحَّةٌ | ≠ ۱۵ نَهَارٌ | ≠ ۱۶ يَسَارٌ |

۱۸ این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

کتابان - زُمَلَاءٌ - زَوْجَةٌ - سَيِّدَاتٌ - مُدَرِّسَاتِنِ - مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - جَزْيَانٌ - مُتُونَ - قَلَمٌ - أَصْوَاتٌ - ذَفَاتِيرٌ - آيَاتٌ - أُمَّ - خَطَايَا - مَسْرُورَةٌ - مُدَبِّرُونَ - إِنْسَانَانِ

مفرد	مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
۱	۲	۳	۴	۵



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

۱ از عبادت هفتاد سال بهتر است.

۲ دوستی ندارد.

۳ هفتم و نهم ع در کاظمیه (کاظمین) است.

۴ است که در صبح آن را می‌خوریم.

۵ جاری از چشم‌ها هستند.

۶ چیزی است برای حفظ سلامتی دندان‌ها.

۷ شنیدند و آن‌ها به آن عمل می‌کنند.

۸ نزد من است و غیب نمی‌دانم.

۹ به کوه می‌رویم.

۱۰ درها و پنجره‌ها را می‌سازی.

۱۱ در زبانش است.

۱۲ و زیبایی را دوست دارد.

۱۳ مگر آن‌که با عمل همراه باشد.

۱۴ گویی که او نادان است.

۱۵ جدید را آغاز کردم.

۱۶ سختی‌هایم را درخواست می‌کنم.

۱۷ شادیم را افزایش داد.

۱۸ است که در آن نیایش و نماز است.

۱۹ می‌شوند و حکیمان در آن درس می‌دهند.

۲۰ کلاس هفتم و هشتم را دوست دارم.

پاسخ ۲

۱ گزینه ب

۳ گزینه الف

۵ گزینه الف

۷ گزینه ب

۲ گزینه ب

۴ گزینه ب

۶ گزینه ج

۸ گزینه ب

۹ گزینه الف توجه» فعل‌هایی که بعد از «إِذَا، إِنْ، مَنْ، مَا»

می‌آیند اگر در زبان عربی، ماضی باشند در ترجمه فارسی،

مضارع ترجمه می‌شوند.

۱۱ گزینه ب

۱۰ گزینه ب

۱۲ گزینه ج

پاسخ ۳

۱ فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان

دانش‌آموزان را آغاز کردیم.

۲ این اشک‌های دیده‌ام برایمان نشانه نیست؟

۳ هر کس (تخم) دشمنی بکارد، خسارت (و زیان) درو می‌کند.

۴ درمانگاه محلی برای معاینه بیماران است.

۵ چه کسی حدیثی پیرامون ارزش علم می‌داند؟

۶ ادب آدمی از طلایش بهتر است.

۷ دوستم! بدان که خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.

۸ مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش آسوده باشند.

۹ شما، دوستانتان را در سختی‌ها یاری کردید.

۱۰ قطعاً ما نسبت به خواندن عبارات‌ها و حکایت‌ها و متن‌های

ساده عربی توانا هستیم.

۱۱ کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند و خورشید و ماه و

ستارگان و کوه‌ها و درخت (درختان) او را سجده می‌کنند.

۱۲ همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آن‌ها را در

برابرم سجده‌کنان دیدم.

۱۳ قطعاً خداوند هیچگاه به مردم ستم نمی‌کند اما مردم خودشان

ستم می‌کنند.

۱۴ علم از ثروت بهتر است. علم تو را حفظ می‌کند و تو از ثروت

نگاهبانی می‌کنی.

پاسخ ۴

- ۱ سخت - صِعب
۲ سال - اَعوام
۳ کیف - حَقَائِب
۴ گنج - كُنوز
۵ روشنایی - اَنوار
۶ کار - اُمور
۷ نیاز - حَوَائِج
۸ کوه - جِبَال
۹ برادر - اِخْوَان و اِخْوَة
۱۰ هم کلاسی - زُملاء
۱۱ پیاده‌رو
۱۲ رفتن

پاسخ ۵

- ۱ می نویسی
۲ خواهم پخت
۳ می شناسیم
۴ آیا فهمیدی؟
۵ نیامد
۶ نمی آید - نمی آیی **توجه** >> این فعل هم می تواند مفرد مؤنث غایب باشد و هم مفرد مذکر مخاطب.
۷ اجازه می دهد
۸ آیا راست می گوید؟ - آیا راست می گویی؟
۹ بازی خواهید کرد
۱۰ خریدید
۱۱ آرزو می کنم
۱۲ زیارت می کند

پاسخ ۶

- ۱ هذَانِ ← هَاتَانِ
۲ جَالِسَةٌ ← جَالِسَاتُ
۳ جَلَسَ ← جَلَسْتُ
۴ هُنَّ ← هُمْ
۵ وَجَدُوا ← وَجَدَا
۶ خَدَمْنَ ← خَدَمُوا
۷ أَنْتُمْ ← أَنْتِ
۸ تَجِبْتُ ← أَجِبْتُ
۹ تَعْرِفُ ← تَعْرِفِينَ
۱۰ تَكْذِبُ ← يَكْذِبُ

پاسخ ۷

- ۱ ظَلَمْنَا - ظَلَمُوا (هر دو ماضی)
۲ يَغْفِرُ (مضارع)
۳ لَا يَعْلَمُونَ (مضارع منفی)
۴ أَبَدًا - أَذْكَرُ (هر دو مضارع)
۵ اِسْتَرَيْتُ (ماضی)
۶ اُعْجِبُ (مضارع)
۷ نَعِيشُ - نَذْهَبُ (هر دو مضارع)
۸ شَاهَدْتُ (ماضی)

پاسخ ۸

- ۱ تَجْمَعُونَ (مضارع)
۲ تَقْذِفْنَ (مضارع)
۳ جَعَلْتَنَّ (ماضی)
۴ اَعْرِفُ (مضارع)
۵ تَطْرُقْنَ (مضارع)
۶ اَسْمَعُ (مضارع)
۷ اَعْمَلُ (مضارع)
۸ نَقُولُ (مضارع)
۹ يَقُولُ (مضارع)
۱۰ سَأَلْتَا (ماضی)

پاسخ ۹

- ۱ نَضِبُرُ
۲ تَعِشْنَ
۳ اَكَلْتُ
۴ فَتَحْتُ
۵ اَمْرًا
۶ قَدَرْنَا
۷ تَرَفَعُونَ
۸ شَاهَدْتُمَا
۹ حَضَرْتُ
۱۰ قَبِلُ

پاسخ ۱۰

- ۱ حَقِيبَةٌ
۲ سَمَاءُ
۳ لِسَانُ
۴ نَارُ
۵ يَدُ
۶ شَجَرَةٌ

پاسخ ۱۱

- ۱ يَلْعَبُ
۲ تَقْرَأُ
۳ يَضْحَكُ
۴ يَشْرَبُ
۵ تَأْكُلُ
۶ يَضِعُدُ

پاسخ ۱۲

- ۱ اِثْنَانِ - اَرْبَعَةٌ - سِتَّةٌ - ثَمَانِيَةٌ - عَشْرَةٌ - اِثْنَا عَشَرَ
۲ اَلثَّانِي - اَلرَّابِعُ - اَلْخَامِسُ - اَلسَّابِعُ - اَلتَّاسِعُ - اَلْعَاشِرُ - اَلثَّانِي عَشَرَ

- ۳ اَلْاَحَدُ - اَلثَّلَاثَةُ - اَلْخَمِيْسُ
۴ اَلرَّبِيْعُ - اَلْخَرِيْفُ - اَلشَّتَاءُ
۵ اَللَّغْدَاءُ - اَلْعِشَاءُ
۶ هُمَا - هِيَ - هُمَا - اَنْتُمَا - اَنْتِ - اَنْتُنَّ - اَنَا
۷ هُمْ - هَا - هِيَ - كُمْ - كَمَا - نَا
۸ يَتَعَلَّمَانِ - تَتَعَلَّمَانِ - يَتَعَلَّمْنَ - تَتَعَلَّمْنَ - تَتَعَلَّمَانِ - تَتَعَلَّمْنَ - اَعْلَمُ

پاسخ ۱۳

- ۱ اَنْتِ
۲ نَحْنُ
۳ هِيَ
۴ اَنَا



٥ هُما	٦ أَنْتُمْ	٥ ذَهَبَ	٦ نَذَهَبُ
٧ أَنْتِ	٨ هُنَّ	٧ غَسَلْتُمْ	٨ تَطْبِخَانِ
٩ هِيَ	١٥ هُوَ	٩ مَصَابِيحَ	١٥ خَزَائِنَ

پاسخ ١٧

١ نار	٢ لِسَانِ	١ كَثِيرَ	٢ فَرِحَ
٣ بَحْرَ	٤ رِيَاضَةَ	٣ جَمِيلَ	٤ حَارَ
٥ كُرَةَ	٦ حَقِيبَةَ	٥ شِرَاءَ	٦ غَالِي
٧ غَابَةَ	٨ بَيْتَ	٧ خَيْرَ	٨ قَرِيبَ
٩ ظَهَرَ	١٥ أَصْغَرَ	٩ نِهَائِيَةَ	١٥ جَاهِلَ
		١١ أَمْسِي	١٢ صَدَاقَةَ
		١٣ صَغَرَ	١٤ مَرَضَ
		١٥ لَيْلَ	١٦ يَمِينَ

پاسخ ١٨

١ زَوْجَةَ - جَرِيَانَ - قَلَمَ - أُمَّ - مَسْرُورَةَ
٢ كِتَابَانَ - مَدْرَسَتَانِ - إِنْسَانَانِ
٣ مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - مَدِيرُونَ
٤ سَيِّدَاتَ - آيَاتَ
٥ زُمَلَاءَ - مُتُونَ - أَصْوَاتَ - دَفَاتِيرَ - خَطَابَا

پاسخ ١٣

١ نار	٢ لِسَانِ
٣ بَحْرَ	٤ رِيَاضَةَ
٥ كُرَةَ	٦ حَقِيبَةَ
٧ غَابَةَ	٨ بَيْتَ
٩ ظَهَرَ	١٥ أَصْغَرَ

پاسخ ١٥

١ هُوَ الَّذِي ...	٢ طَائِرٌ أَسْوَدٌ ...
٣ رِيَاضَةٌ تَلْعَبُ ...	٤ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ ...
٥ مَكَانٌ يَأْكُلُ ...	٦ وَقْتُ نِهَائِيَةٍ ...
٧ كِتَابٌ يَشْرَحُ ...	٨ لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ ...
٩ فَضْلُ الْأَزْهَارِ ...	١٥ قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ ...

پاسخ ١٦

١ عَلَيْنِكَ	٢ ذَهَبِهِ
٣ أَلْحَجَرَ	٤ أَلْفِعْلَ